

نقش سفرنامه‌های جهان‌گردان در شناسایی

ایران به دیگر مردم جهان

یکی از نکات مورد توجه در حوزه ایران‌شناسی که بستر و زمینه مهمی هم برای گسترش این جریان بوده‌است، بحث سفرنامه‌های جهان‌گردان، بازرگانان، مبلغان مذهبی و یا سفیرانی است که به ایران سفر کرده‌اند. آثار و نوشته‌های آنان پس از بازگشت به کشورشان به چاپ رسید و به سرعت در سایر ممالک هم منتشر شد.

اگر به گذشته تاریخی اولین نوشته‌ها و آثار مسافران برگردیم باید سده شانزدهم میلادی را نقطه عطفی در گسترش آن بدانیم. در واقع عصر اکتشافات جغرافیایی آغازگر حرکت مسافران، بازرگانان و سایر ماجراجویانی بود که به انگیزه‌های مختلف راهی شناخت جهان نو شدند؛ جهانی که برای آن‌ها پول و طلا در پی داشت و راه‌های جدید را برای انتقال کالاهای اقتصادی به آن‌ها معرفی می‌کرد. جهانی که برای مبلغان مذهبی راهی برای گسترش و تبلیغ دین بود. این حرکت از اروپا شروع شد. دریانوردان پرتغالی، اسپانیایی و انگلیسی آغازگر آن بودند. البته حوادث تاریخی قدیمی‌تر، یعنی جنگ‌های صلیبی و حرکت شوالیه‌ها برای کسب زمین مقدس و نان و معیشت، اروپاییان را با شوق آشنا کرده بود.

اکنون به این سؤال می‌پردازیم که سفرنامه‌ها شامل چه محتوایی بودند و چه نقشی در شناساندن ایران به دیگر مردم جهان داشتند؟ باتوجه به هدف و انگیزه مسافران به ایران، محتوای سفرنامه‌ها متفاوت بود. نکته ثابت در همه آن‌ها با کمیّت و کیفیت اندک، پرداختن به عادت‌ها، رفتارها و فرهنگ عمومی مردم ایران بود. خصوصیات جغرافیایی، آب و هوا، راه‌ها، شهرها، روستاها و مسائل مربوط به آن‌ها نیز مورد توجه بوده‌است. با در نظر گرفتن مقدمه فوق، می‌توان نتیجه گرفت که سفرنامه‌ها اولین شکل آشنایی‌های بین فرهنگی بوده‌اند و بی‌گمان بعدها نیز از جمله بهترین منابع شناخت دوره‌های تاریخی شدند. اگر لیستی از سفرنامه‌های مسافران به ایران داشته باشیم و محتوای آن‌ها را ببینیم پی می‌بریم که در سفرنامه‌ها از **کلاویخو (González de Clavijo Ruy)**، اگر جزو اولین محسوب شود تا **چی. فولر (G. Fuller)** اگر آن را معاصر بدانیم، نگاه تکامل‌یافته‌ای وجود دارد. انگیزه‌ها کاملاً مشخص است؛ مثلاً دیدگاه جغرافیایی کلاویخو برای غرب مؤثر بود. **دلا واله (Pietro Della Valle)** در دوره صفویه با انگیزه مشخص سیاسی و مذهبی

آن را کامل‌تر کرد. در سفرنامه انگلیت کمپفر (Engelbert kampfer)، پولاک (Jakob Eduard Polak) و ویلز چارلز جیمز (Charles James Wills) نگاه مسافر عمیق‌تر و کامل‌تر شده‌است. مسلماً مدّت زمان حضور سفرنامه‌نویس در ایران نیز در صحّت و دقّت نوشته‌ها موثر بوده‌است.

جهان‌گردانی که تا قبل از دوره صفویّه (1135-907 ق) به ایران آمده‌اند بسیار محدود و اکثراً شامل مبلغان مذهبی بوده‌اند. هنوز عصر اکتشافات، دروازه‌های این حرکت را باز نکرده بود اما از سده شانزدهم میلادی تاکنون انبوهی از سیاحان اروپایی به‌سوی شرق هجوم آوردند. به‌راستی غیر قابل انکار است که در آن زمان سیاحت و سیاحت‌نامه‌نویسی کار غربی‌ها (ایتالیایی‌ها، اسپانیایی‌ها، هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و...) بود. باتوجه به منابع و اسناد تاریخی مکتوب باقی‌مانده باید اعتراف کرد که از عصر اکتشافات جغرافیایی، سیاحت و جهان‌گردی در انحصار آن‌ها بوده‌است. باتوجه به منابع و اسناد تاریخی دوره صفویّه به بعد سفرنامه‌ها به هر دلیل و انگیزه‌ای که نوشته شده باشند (مذهبی، اقتصادی، سیاسی و...) باعث شدند روزنه‌های شناخت غرب نسبت به ایران باز و بازتر شود. در واقع علاقه سیاسی و علمی اروپاییان به ایران به‌طور جدی از دوره صفویّه آغاز شده‌است. دولت‌های قدرتمند اروپایی که در جریان عصر اکتشافات و اهداف اقتصادی در هندوستان و سواحل اقیانوس هند و خلیج فارس مستقر شده بودند به‌شدّت علاقه‌مند به شناخت تاریخ و تمدن ایران بودند، بنابراین سفر مسافران در این مقطع دلایل مختلفی داشته‌است.

ابتدا باید از فرستادگان رسمی و افراد وابسته به هیئت‌ها نام برد. توجه و دقّت آن‌ها بر تشریفات رسمی، مشخصات گزارش‌ها، شهرها، شرایط سفر و آداب و رسوم کشور متمرکز بود. بارزترین گزارش‌ها در این زمینه از آدم اولناریوس (Adam Olearius) و کارل لمگو (Karl Meier Lemgo) است. گروه دیگر مسافران، تُجّار بودند. برای آن‌ها تجارت، گمرک، مخارج سفر، حمل‌ونقل، قیمت‌ها و کالاها مهم بودند و قسمت اعظم اطلاعات نوشته‌های آنان را اطلاعات اقتصادی دربر می‌گیرد، مثل ماجراجویان کمپانی هند شرقی. گروه بعدی افراد علاقه‌مند و تاحدودی دانشمند بودند که برای تحقیق علمی همراه هیئت‌ها و یا به‌تنهایی سفر می‌کردند. گزارش‌های مربوط به جغرافیا، علوم طبیعی، تاریخ، تمدن و تفحص در مذاهب، قبایل و طبقات مردمی ایرانیان در کار آن‌ها محور اصلی است، مثل نوشته پیتر دلا واله (Pietro Della Valle) و کرنلیس دو بروین (Cornelis de Bruijn).

مبلغان مذهبی در هر دوره‌ای حضور داشتند و نوشته‌های آن‌ها بسته به توجه آن‌ها، مسائل مختلف را دربر می‌گرفته‌است. کشیشان اغلب زبان فارسی را می‌دانستند و وارد دربار می‌شدند و به هدف کسب حمایت حاکمان ایران فعالیت خود را شروع می‌کردند. با بررسی سفرنامه‌های دوره صفویّه این نکته روشن می‌شود که اکثر مسافران از مبلغان مسیحی، هیئت‌ها و عاقد قراردادهای به‌خصوص بازرگانانی هستند که یا به‌طور شخصی کار می‌کنند یا در خدمت شرکت‌های بزرگ تجاری نظیر کمپانی هند شرقی انگلیس و هلند هستند. پیشه‌وران، دریانوردان، نظامیان و هنرمندان نیز به‌طور شخصی در این دوره به ایران سفر کرده‌اند؛ نظیر

جرج استراچان (George Strachan) ساعت‌ساز فرانسوی، رودلف اشتادلر (Rodolphe Stadler) و الکساندر دِ رُود (Alexander de Rodes).

از جمله سفرنامه‌های دوره صفویّه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

آنتونی جنکینسن (Anthony Jenkinson) در سفرنامه:

Compendious and Brief Declaration of the Journey from London into the Land of aPersi

جان نیوبری (John Newbery) در سفرنامه:

Two Voyages, into the Holy Land, the Bassora, Ormus, Persia and Back

through Turkey

پیتر دلا واله (Pietro della valle) در سفرنامه:

Viaggi in Lettere Familiari al suo Amico Mario Schipano

گارسیا د سیلوا فیگوروا (García de Silva Figueroa) در سفرنامه:

Totius Legationis suae et Indicarum Rerum Persidisque Commentarii

انگلبرت کمپفر (Engelbert kampfer) در سفرنامه:

Medicaram Fusicali -Physico -Amoenitatum Exoticarum Politico

مارتین سانسون (Pere martin sanson) در سفرنامه:

Voyages Ou Relation de l'état Présent du Royaume de Perse

تادنوس یودا کروسینسکی (Pater tadeusz joda Krasinski) در سفرنامه:

Histoire de la Dernière Révolution de Perse

در دوره قاجاریه وابستگی به غرب و گسترش روابط سیاسی باعث گسترش رفت‌وآمد جهان‌گردان و سفیران سیاسی به ایران شد و در کامل‌تر شدن این شناخت مؤثر واقع شد. نیاز اقتصادی و نظامی به غرب و کشورهای قدرتمندی نظیر انگلیس، فرانسه و روسیه باعث حضور جدی هیئت‌های سیاسی و روابط دیپلماتیک

مداوم بین ایران و آن‌ها شد. ارنست اورسل (Ernest Orsolle)، سر جان ملکم (Sir John Malcolm)، سر گور اوزلی (Sir Gore Ouseley)، فوریه (Feuvrier)، ادوارد براون (Edward Browne)، دمورگان (Jacques de Morga)، گیرشمن (Roman Ghirshman)، دیولافوا (Jane Dieulafoy)، هرتزفلد (Ernst Emil Herzfeld) از جمله افرادی بودند که به ایران سفر کردند و سفرنامه‌هایی به‌جا گذاشتند.

اکنون می‌توان نگاه روشن‌تری به سفرنامه‌ها داشت. زمانی که ارتباط فرهنگی بین ممالک شکل محدودی داشته‌است و جهان نو ناشناخته بوده‌است، سفرنامه‌ها معرفی‌کننده سرزمین‌های جدید و خصوصیات آن‌ها بوده‌اند. این آثار منتشر شدند و در معرفی ایران به مردم بیگانه خیلی مؤثر بودند. مبنای سفر بسیاری از جهان‌گردان و دانشمندان، نوشته‌هایی بود که آنان قبل از سفر درباره ایران می‌خواندند. اولین تفحص‌ها درباره تاریخ و فرهنگ ایران از این نوشته‌ها شروع شد و راه را برای شناخت ایران در همه زمینه‌ها باز کرد.

بخشی از مطالعات ایران‌شناسی را مدیون جهان‌گردان غربی و سفرنامه‌های آن‌ها هستیم.

آیا با این سفرنامه‌ها آشنا بوده‌اید؟

نویسنده:

دکتر زهرا عبدی

ویراستار:

دکتر نیکو تفرّدی

معصومه موسویان